



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# فعالیت های تجاری حضرت خدیجه علیها السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فعالیت های تجاری حضرت خدیجه سلام الله علیها

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	فعالیت های تجاری حضرت خدیجه سلام الله علیها
۶	مشخصات کتاب
۶	ثروتمندترین زن روزگار
۱۰	چگونگی تجارت
۱۰	استخدام کارگزاران
۱۱	استخدام کارگزاران در بازار بصری و داستان ابومویهب راهب
۱۲	استخدام مردان پاکدامن و درستکار
۱۳	سفر به شام
۱۳	میسره کارگزار خدیجه سلام الله علیها
۱۳	کارگزاران خدیجه در بازار حباشه
۱۴	کارگزاران خدیجه در شام
۱۴	تجارت خدیجه از زبان حضرت ابوطالب علیه السلام
۱۵	اجیر نشدن پیامبر به نقل از عمار
۱۵	ثروت خدیجه سرمایه او در تجارت
۱۷	تجارت و ازدواج و تجارت در تابستان و زمستان
۱۷	ویژگی های حضرت خدیجه سلام الله علیها در تجارت
۱۷	اخلاق کریمانه و شرافت حضرت خدیجه سلام الله علیها
۱۹	ثروت خدیجه سلام الله علیها
۱۹	بزرگترین قافله، قافله ی حضرت خدیجه سلام الله علیها است.
۲۱	درباره مرکز

فعالیت های تجاری حضرت خدیجه سلام الله علیها

پدیدآورنده: واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

نوع: مقاله

تعداد صفحات: 15

منبع: دانشنامه حضرت خدیجه

ص: 1

### ثروتمندترین زن روزگار

غالب مردم شهر مکه، به حرفه تجارت اشتغال داشتند، و عزت و قدرت در آن شهر، از آن کسانی بود که ثروت و مکنت داشتند، گر چه در قبیله خود، از نظر تعداد نفرات کم بودند یا زیاد، در آن جامعه اولویت با ثروتمندان بود، تا جایی که برای رسیدن به ثروت از هیچ تلاشی دریغ نمی کردند، حتی اگر به قیمت خوردن مال یتیم و ضعیف و یا گرفتن ربا بود، تعرض به غریبه ها و خوردن اموال ضعیفاء به حدی رایج شده بود که عده ای از اهل انصاف جمع شدند و گروهی را تشکیل دادند به نام «حلف الفضول»، که در آن هم پیمان شدند از حق ضعفا و ایتام دفاع کنند و مانع از چپاول زورگویان مکه شوند، و حضرت رسول صلی الله علیه و آله از شرکت خود در آن پیمان به نیکی یاد می کردند.

در چنین محیطی، اراده ی حقتعالی بر این بود که ثروتمندترین فرد و با عظمت ترین شخصیت، زنی باشد که در جوانی دارای ثروتی است که ثروتمندترین مرد مکه در خیال خود نیز به رقابت با وی نیاندیشد، و آن زنی کسی نیست جز ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها که نام وی در صفحه ی تاریخ چون خورشید فروزان می درخشد.

آن گونه که از مطالعه ی تاریخ بر می آید، ثروت حضرت خدیجه سلام الله علیها، حاصل دسترنج خود وی بود، و به کوشش

ص: 1

و همت ایشان فراهم شده بود و از ارث و میراث خبری نبود، به همین جهت پدر و عمویش هیچ گونه دخالت و تصرفی در امور و اموال ایشان نداشتند. بد نیست به گوشه ای از ثروت ایشان اشاره کنیم تا قدری از عظمت سخن را در یابیم، و این مقدار از بیان ثروت ایشان، در حدیست که تاریخ برای ما نگه داشته است و از چنگ بدخواهان و حسودان و کینه توزان، به سلامت گذشته و به ما رسیده است و گر نه یقیناً ثروت و مکنت ایشان بیش از این حرفها می باشد. همین جمله کافیهست که از ایشان به ملکه عظیمه<sup>(1)</sup> تعبیر کرده اند، او ملکه ای بود در نهایت عظمت.

الف) کان لها من الاموال و الموالی، شیء لا یحصی؛<sup>(2)</sup> برای ایشان از اموال و چهارپایان (اعم از اسب و شتر و گوسفند) عددی غیر قابل شمارش بود، در آن زمان وقتی می خواستند ثروت شخصی را بیان کنند، اشاره به اموال و چهارپایانی که در تملک داشت می کردند، که مثلاً فلان شخص صد رأس گوسفند، دو رأس اسب و چقدر نفر شتر دارد، ولی برای حضرت خدیجه سلام الله علیها، به جهت کثرت اموال و احشام، آمار خاصی وجود نداشت و می گفتند آن قدر مال و حشم دارد که نمی توان شمرد.

ب) لیس بمکه اکثر مالاً من خدیجه سلام الله علیها؛<sup>(3)</sup> در شهر مکه، که اکثر اهل آن در پیشه ی تجارت مشغول بودند، کسی از خدیجه علیها السلام ثروتمندتر نبود، و همین عبارت گویای ثروت ایشان است، و بدین جهت بود که بزرگان قریش به خواستگاری ایشان آمدند، و

ص: 2

---

1- بحار الانوار، ج 16، ص 20.

2- همان، ص 20.

3- همان، ص 21.

چون آن حضرت کسی را هم شأن خویش نمی دید، نمی پذیرفت. کسانی که به خواستگاری ایشان می آمدند که تاریخ در ثروت شان می نویسد: چهارصد کنیز و غلام داشتند. (1)

(و معلوم است که نگهداری چهارصد کنیز و غلام چه هزینه ای را بر ارباب آنها تحمیل می کند و این بیانگر ثروت آن ارباب می باشد) و ایشان حتی نمی پذیرفت با آنان سخن بگوید.

ج) کان لخدیجه (علیها السلام) فی کل ناحیه عبید و مواشی، حتی قیل: ان لها ازید من ثمانین الف جمل متفرقه فی کل مکان، و کان لها فی کل ناحیه تجاره و فی کل بلد مال، مثل مصر و الحبشه و غیرها؛ (2) برای حضرت خدیجه سلام الله علیها در هر سو و ناحیه، غلامان و احشام و اغنام بود، تا جایی که گفته شد: برای حضرت خدیجه سلام الله علیها بیش از هشتاد هزار شتر در مناطق مختلف برای تجارت قرار داشت، به غیر از اینها در مناطق مختلفی چون مصر و حبشه تجارت خانه داشتند و عده ای برای ایشان مشغول به تجارت بودند. با دقت نمودن به این جمله: «ازید من ثمانین الف جمل»؛ بیش از هشتاد هزار شتر، روشن می شود که باز هم آمار دقیقی از تعداد شتران تجاری آن حضرت در دست نیست و گمان ها به بیش از هشتاد هزار می رود، و هنگامی که توجه کنیم به مسئله نگهداری و رعایت این شتران و تعداد غلامانی که متصدی این کارها هستند، پی به ظاهری از ثروت حضرت خدیجه سلام الله علیها می بریم، و این فقرات، نشانگر تجارت جهانی آن حضرت بوده

ص: 3

---

1- بحارالانوار، ج 16، ص 63؛ وج 108، ص 215.

2- همان، ج 16، ص 22.



که در شهرها و کشورهای مختلفی چون مصر و حبشه تجارتخانه داشتند و این دلالت بر قدرت بالای مدیریتی حضرت خدیجه سلام الله علیها دارد و آن نیز ناشی از دانش وسیع آن بزرگوار می شد، که با سنی جوان، آن حضرت، از نبوغ فوق العاده ای برخوردار بودند، حقیقتاً او زنی عادی نبوده است. و دیگر نیازی به توضیح نیست که حفظ ارتباط با نیروهای تجارتي در آن زمان، و حسابرسی مرتب به داد و ستد و سودهای حاصله از آن، چقدر توان و احاطه می طلبید، که یک زن در سن جوانی، تمام آن صفت های عالی را، آن هم به بهترین و عالی ترین شکل ممکن دارا باشد که او را به برترین فرد مکه مبدل سازد.

د) کان لخدیجه (علیها السلام) داراً واسعةً تسع اهل مکةً جميعاً؛<sup>(1)</sup> برای حضرت خدیجه علیها السلام منزل وسیع و بزرگی بود که تمامی مردم مکه را در بر می گرفت، و قد جعلت اعلاها قبة من الحریر الازرق؛ که در بالای این منزل گنبدی از ابریشم آبی رنگ قرار داده بودند، و قد رقمت فی جوانبها صفة الشمس والقمر والنجوم؛ و در آن نقش های خورشید و ماه و ستارگان منقش شده بود، و قد ربطته من حبال الابریشم و اوتاد الفولاذ؛ و آن گنبد ابریشمی زیبا را با طناب هایی از ابریشم و میخ هایی از فولاد، محکم کرده بودند.

تصور کنید، ثروتمندترین زن مکه، بلکه ثروتمندترین شخص آن، باید خانه ای داشته باشد که در خور مقام و شأن او باشد، فلذا خانه ی ایشان نیز بی نظیر و به گونه ای

ص: 4

است که در تاریخ مکه چنین خانه ای برای غیر ایشان وصف نشده است. و در آن تمام اصناف و انواع خوراکی ها و میوه جات از طائف و شام همواره برای پذیرایی میهمانان فراهم بود. (1) و (2)

## چگونگی تجارت

### استخدام کارگزاران

خدیجه بانویی تاجر و با شرف و ثروتمند بود. وی مردان را به اجاره می گرفت و به آنها سرمایه می داد که به مضاربه تجارت کنند. عموهای پیامبر صلی الله علیه که قصد داشتند همسری برای آن حضرت بگیرند، نزد خدیجه رفتند و از وی خواستند تا سرمایه ای در اختیار محمد قرار دهد تا با آن به تجارت رود و با سود حاصل از این تجارت ازدواج کند. (3)

خدیجه با ثروت فراوان و تجارت گسترده اش، بانوی توانگر حجاز به شمار می آمد و به خوشخویی و خردمندی زبانزد بود. چون خدیجه با پیامبر پیوند زناشویی بست، در تدبیر امور مربوط به داخل و خارج خانه و نیز در پرورش فرزندان پاک و شایسته، همسری نمونه قلمداد می شد.

چون پیامبر اکرم، به رسالت مبعوث شد، خدیجه پیش از هر کس دیگری به اسلام گروید و خود را با تعالیم ارزشمند اسلام هماهنگ کرد و با پشتکاری بی نظیر در تبلیغ گسترش اسلام از هیچ تلاشی فروگذاری نکرد. وی همچنین همه ی ثروت خود را برای پیشبرد اسلام در راه خدا و در دست پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد تا آن حضرت هرگونه که خود می داند و می خواهد، آن را در راه خدا مصرف کند.

از آنجا که در آغاز نخستین کسانی که

ص: 5

1- همان، ج 16، ص 25.

2- حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها ثروتمندترین زن روزگار، ص 4-8.

3- محدثات شیعه، ص 157.

به دعوت پیامبر گرویدند، مردم مستمند و تهیدست بودند. رسول خدا با کمال سخاوت، ثروت خدیجه را به مصرف زندگی تازه مسلمانان تنگدست می‌زساند و بردگان را با پول خدیجه مستقیماً و یا به واسطه‌ی کسان دیگری چون ابوبکر، که مردی توانگر بود، می‌خرد و آزادشان می‌کرد. توانگران قریش نیز می‌دانستند که ابوبکر با ثروت خدیجه و به دستور رسول اکرم به خرید بردگان می‌پردازد.

این بخشش پایان ناپذیر از سوی خدیجه به پیامبر تقدیم شده بود که حتی یک کیمه هم از روی هوا و هوس سخن نمی‌گفت تا مگر یک حقیقت را آشکار سازد. حقیقتی که اینک بر دوش مکتب، چونان نشانی افتخار آمیز جلوه‌گر است. این حقیقت آن بود که پیامبر فرمود: «اسلام به شمشیر علی و ثروت خدیجه استوار شد.»<sup>(1)</sup>

### استخدام کارگزاران در بازار بصری و داستان ابومویهب راهب

بکر بن عبدالله اشجعی از پدرانش نقل می‌کند در آن سالی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شام رفت، عبد مناه بن کنانه و نوفل بن معاویه نیز برای تجارت به شام رفتند. آنان را «ابومویهب» راهب ملاقات کرد و از آنان پرسید:

شما کیستید؟

گفتند: تاجرانی از اهل حرم از قریش هستیم.

پرسید: از کدام تیره‌ی قریش؟ پاسخ او را دادند.

باز پرسید: کسی از قریش غیر از شما هم آمده است؟

گفتند: آری، جوانی از بنی هاشم به نام محمد صلی الله علیه و آله.

ابومویهب گفت: به خدا سوگند! او را می‌خواستیم.

گفتند: به خدا سوگند در میان قریش گمنام تر اط او نیست و او را «یتیم قریش» می‌گویند و او اکنون اجیر

ص: 6

زنی به نام «خدیجه» است. با او چکار داری؟

در این هنگام راهب سر خود را تکان می داد و می گفت: اوست، پس از آن دو خواست که محمد صلی الله علیه و آله را به او نشان دهند.

می گویند: او را در «بازار بصری» رها کردیم و مشغول سخن گفتن بود که محمد صلی الله علیه و آله نمایان شد، راهب گفت: این همان است. و مدتی با او خلوت کرد و در گوشه با وی سخن گفت. سپس میان دو چشم محمد صلی الله علیه و آله را بوسید و چیزی از جیب خود در آورد که نفهمیدیم آن چه بود، ولی محمد صلی الله علیه و آله نپذیرفت. وقتی که از او جدا شد، به ما گفت: از من بشنوید که به خدا سوگند او پیامبر این عصر است و به زودی مبعوث می شود و مردم را با گفتن «لا اله الا الله» دعوت می کند، وقتی این گونه دیدید از او پیروی کنید. (1)

### استخدام مردان پاکدامن و درستکار

خدیجه دختر خویلد که زن خردمند کاردان با عفت و با شرافت و ثروتمندی بود و مردان درستکار پاکدامن را برای رسیدگی به کارهای خود و انجام بازرگانی اجیر می کرد و با آنان قرارداد می بست که چقدر از سود تجارت متعلق به آنان و چقدر از آن خود او باشد. و همین که پیش از بعثت درستی و امانت پیغمبر اکرم را شنید و از اخلاق حمیده ی آن وجود مبارک آگاه شد از آن حضرت خواست که عامل وی باشند و برای بازرگانی به شام بروند و بیش از سایر عاملان حق

ص: 7

---

1- جلوه های اعجاز معصومین علیهم السلام، الخرائج و الجرائح برگزیده فارسی، ص 757.

العمل دریافت دارند و چون آن حضرت تجارت را به طور مطلوب و با امانت انجام دادند، خدیجه ی کبری به آن حضرت پیشنهاد ازدواج داد و حضرت رسول پیشنهاد آن بانوی بزرگ را پذیرفته و با وی همسر شدند. (1)

### سفر به شام

همین که خدیجه از راستگویی و امانت و مکارم اخلاق رسول خدا خبر یافت، نزد وی فرستاد و به او پیشنهاد کرد که از با سرمایه «خدیجه» و همراه غلام وی «میسره» (2) برای تجارت شام رهسپار شود بیش تر از آنچه به دیگران می داده است به وی خواهد داد. رسول خدا پذیرفت و با «میسره» رهسپار شد تا به شام رسید. (3)

### میسره کارگزار خدیجه سلام الله علیها

فلما بلغ اثنتی عشرة سنه، خرج مع عمه ابي طالب الى الشام حتى بلغ بصرى فرآه بحيرا الراهب فعرفه بصفته، فجاء و اخذ بيده، و قال: هذا سيد العالمين، هذا رسول رب العالمين، هذا يبعثه الله رحمه للعالمين. فقيل له: و ما علمك بذلك؟ قال: انكم حين اقبلتم من العقبه لم يبق شجره و لا حجر الا خرّ ساجداً و لا يسجدان الا لنبى، و انا نجده فى كتبنا. و سأل ابا طالب، فرده خوفا عليه من اليهود. ثم خرج ثانياً الى الشام مع مسيره غلام خديجه ي تجارة لها قبل ان يتزوجها حتى بلغ الى سوق بصرى، فباع تجارته. (4)

### کارگزاران خدیجه در بازار حباشه

ان رسول الله صلى الله عليه و آله لما استوى و بلغ اشدّه، و ليس له كثير مال استاجرته خديجه بنت خويلد الى سوق حباشه، و استاجرت معه رجلاً من قريش، فقال رسول الله صلى الله عليه و آله: «م رأيت صاحبة خيراً من خديجه ما كنا نرجع انا و صاحبى الا و عندها تحفة

ص: 8

1- تاريخ تمدن اسلام، ص 921.

2- سيره النبي، ج 1، ص 203.

3- تاريخ پیامبر اسلام، ص 68.

4- المنتخب من كتاب ازواج النبي صلى الله عليه و سلم، ص 24.

من طعام تخبئوه لنا»

قال الليث في حديثه: استأجرته بسقب يدفعه اليه غلامها ميسره اذا رجع من سفره. فرأى ميسره من يمنه و خلقه و البركة في سفره، و الزيادة في الريح ما اشتد به حيه اياه، فقدم و هو يهتف به، فسبق الي خديجة فأخبرها خبر ما اصاب من لظفر و الريح، و ما رأى من سول الله صلى الله عليه و آله، قالت: فأرنيه فلما، اقبلت العير اشار لها اليه ، و اذا سحابة تظله و تسير معه. فامرت له بسقبٍ آخر و علقه قلبها لما اراد الله بها من السعادة.

و قال هشام في حديثه عن ابيه: استأجرته الى الشام، و خرج معه غلامها ميسره حتى قدما الشام، فنزل رسول الله صلى الله عليه و آله في ظل شجرة صومعة قريباً من راهب، فاطلع الراهب الى ميسره و قال: من نزل تح الشجرة؟ فقال: رجل من قريش من اهل الحرم. قال: ما نزل تحت هذه الشجرة قط الا نبي، قال: و كان رسول الله صلى الله عليه و آله اذا كانت الظهيرة ، واشتد الحر لم يزل ملكان يظلاونه من الشمس. فلما قدم ميسره على خديجة اخبرها بقول الراهب، و ما رأى من الملكين، فبعثت الى رسول الله صلى الله عليه و آله فقالت: يابن عم اني قد رغبت فيك. (1)

### کارگزاران خدیجه در شام

خديجه از سالها پيش از آن كه به ازدواج پیامبر در آید با شام تجارت می كرد. (2)

### تجارت خدیجه از زبان حضرت ابوطالب علیه السلام

قد ذكرنا انه خرج مع ابي طالب و هو ابن استى عشرة سنة فلما بلغ خمساً و عشرين سنة قال له ابوطالب: انا رجل لا مال لي و قد اشتد علينا الزمان و هذه

ص: 9

1- المنتخب من كتاب ازواج النبي صلى الله عليه و سلم، ص 23 و 24.

2- بامداد اسلام، ص 12.

عیر قومک قد حضر خروجها الی الشام و خدیجه تبعث رجلاً من قومک ، فلو جئتها فعرضت نفسک علیا لاسرعت الیک.

و بلغ خدیجه ما قال له ابوطالب فقال: انا اعطیک ضعف ما اعطی رجلاً من قومک. فقال ابوطالب: هذا رزق قد ساقه الله الیک. (1)

### اجیر نشدن پیامبر به نقل از عمار

و اضاف عمار بن یاسر الی ذلک انها لم تستأجره فی تجارتها و لم یکن اجیراً لاحد ابداً، كما اورد حدیث روجه منها علی هذا النحو این کثیر فی تاریخه بعد ان اورد الصورة الاولى الشائعة بین المحدثین. (2)

### ثروت خدیجه سرمایه او در تجارت

خدیجه زنی عاقله و ثروتمند بود که مردان با سرمایه و مال او تجارت می کردند. (3)

خدیجه که وصف «محمد بن عبدالله» جوان محبوب مکه را به عنوان «محمد امین» شنیده بود، شخصاً از «محمد» خواست به دیدن او برود، وقتی «محمد» آمد. خدیجه گفت: آنچه موجب شده است من شیفته ی تو شوم و مهر و محبت تو را صادقانه به دل گیرم، صاقت و امانت و اخلاق ستوده ی تو است. به همین جهت حاضرم سرمایه ای دو برابر آنچه به دیگران می دهم در اختیارت بگذارم تا شخصاً اقدام به تجارت کنی. علاوه دو غلام خود را نیز به تو می سپارم تا در این سفر تجاری همراه تو باشند و در کارها تو را یاری نمایند.

خدیجه به غلامان خود دستور داد کاملاً تحت فرمان «محمد» باشند، و هنگام بازگشت هر چه از وی در سفر دیده اند، گزارش دهند.

«محمد» با مال التجاره ی خدیجه همراه سایر بازرگانان مکه راهی سفر شام شد در این سفر همه ی تجار سود بردند، به خصوص «محمد» که بیش از

ص: 10

1- صفة الصفوة، ج1، ص 71.

2- سیره الائمة الاثنی عشر، ج1، ص 46.

3- معارف و معاریف شامل احکام، اخلاق، تاریخ، علوم، اعلام و اصطلاحات اسلامی، ج2، ص 856.

دیگران سود برد. در بازگشت «میسره» غلام خدیجه به وی از کارهای محمد در سفر جو یا شده بود، گفت: تمام کارهای او حساب شده و منظم و بر اساس عقل و درایت است. میسره توضیح داد که وقتی یکی از تجار از محمد خواست به دوت «لات» و «عزی» سوگند یاد کند، محمد گفت: «چیزی در نزد من پست تر از لات و عزی نیست.» (1)

طبری و دیگران نوشته اند که چون راستگویی و امانت و خوش خلقی رسول خدا صلی الله علیه و آله که زبانزد همگان بود به گوش خدیجه هم رسید کسی را نزد آن حضرت فرستاد و به او پیشنهاد کرد که با غلام او میسره برای تجارت به شام رود و در عوض سهمی بیشتر از دیگران دریافت دریافت کند رسول خدا این موضوع را به اطلاع عم خود ابوطالب رسانید او نیز گفت: هذا رزقٌ قد ساقه الله الیک؛ یعنی انی کار موجب روزی و رزقی است که خداوند آن را به سوی تو کشانده است. (2)

اما مقصود خدیجه از فرستادن آن حضرت به شام برای این نبود که از وجود و امانت وی فقط برای ازدیاد ثروت خویش از راه تجارت استفاده کند بلکه در نتیجه ی اطلاعاتی مه قبلاً درباره ی آینده ی او به دست آورده بود از نظر معنوی و روحانی شیفته ی وجود آن جناب گردیده بود زیرا خدیجه نیز مصاحبه او را با بحیرا در سفر اول که همراه عمویش ابوطالب عازم شام بود شنیده و می دانست که چه آینده ی درخشانی در انتظار اوست و عالوه بر آن جسته و گریخته از جاهای دیگر

ص: 11

---

1- تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت، ص 69.

2- طبقات الکبری، ج 1، ص 130.



## تجارت و ازدواج و تجارت در تابستان و زمستان

رسول خدا صلی الله علیه و آله سالهای دوران جوانی را کم پشت سر می گذاشت و گر چه دست تقدیر او را برای هدف بزرگتر و عالی تری که نجات و سعادت بشریت در آن نهفته بود پرورش می داد ولی پیش از آن که به مقام نبوت رسیده و به رهبری جهانیان برخیزد مانند سایر مردم از انجام امور مربوط به کسب معیشت و تشکیل خانواده ناگزیر بود.

تجار و بازرگانان مکه برای تجارت در سال دو مرتبه به خارج از عربستان مسافرت می کردند تابستان ها به شام و زمستان ها به یمن روانه می شدند که در قرآن کریم نیز بدان اشاره شده است. (2) «لایلاف قریش ایلافهم رحلة الشتاء و الصيف».

## ویژگی های حضرت خدیجه سلام الله علیها در تجارت

### اخلاق کریمانه و شرافت حضرت خدیجه سلام الله علیها

ابوهریره می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده است مگر اینکه چوپان گوسفند بوده است، یکی از اصحاب گفت: آیا شما هم چوپان گوسفند بوده اید؟ پیامبر فرمود: آری من در مقابل اجرت نیم دانگ برای اهل مکه چوپانی می کردم. این حدیث را بخاری هم نقل نموده است.

جابر بن عبدالله می گوید: پیامبر می گفت دو سفر برای خدیجه انجام دادم که اجرت هر یک ماده شتری بود.

ابن اسحاق می گوید: خدیجه دختر خویلد بانویی شریف و ثروتمند و بازرگان بود که مردان را اجیر می کرد که برای او به طریق مضاربه کار کنند و برای آنها سهمی هم معین می کرد، قریش هم که اصلاً قبیله ای ابررگان بودند، چون موضوع راستی و امانت و اخلاق پاک پیامبر صلی الله

ص: 12

1- رحمت عالمیان (حضرت محمد المصطفی صلی الله علیه و آله)، ص 143.

2- رحمت عالمیان، ص 141.

علیه و آله را شنید کسی پیش او فرستاد و پیشنهاد نمود که حق الزحمه بیشتری به آن حضرت خواهد پرداخت و خدمتکار خود میسر را هم همراه او خواهد نمود. پیامبر صلی الله علیه و آله این پیشنهاد را پذیرفت و همراه کالاهای بازرگانی خدیجه و میسر به شام رفت و حدود شام نزدیک صومعه راهبی پیامبر زیر سایه ی درختی فرود آمد، راهب از میسر پرسید این کیست؟ گفت: مردی از اهل مکه و از قبیله ی قریش است. راهب گفت: زیر سایه ی این درخت کسی جز پیامبران نمی نشیند، پیامبر صلی الله علیه و آله کالای خدیجه را فروخت و آنچه لازم بود خرید و با کاروان به مکه روان گردید، میسر که همراه او بود می گوید هنگام ظهر و گرما دو فرشته با بالهای خود بر پیامبر سایه می افکندند و او همچنان بر شتر خود سوار بود و راه را قطع مینمود.

چون به مکه رسیدند پیامبر کالایی را که از شام آورده بود فروخت و سود این سفر دو برابر یا نزدیک به دو برابر سفرهای دیگر بود. میسر هم گفتار راهب و موضوع سایه گسترده دو فرشته را برای خدیجه گفت، خدیجه بانویی

خردمند و دوراندیش و شریف بود، خداوند هم خواست که او را گرامی بدارد، این بود که پس از نقل مطالب، کسی به سراغ پیامبر فرستاد و پیغام داد که ای پسر عمو من به واسطه ی خویشاوندی و شرف و بزرگواری تو و ارزش تو در میان قوم و امانت و راستی و حسن خلق تو، مایل به ازدواج باتو هستم.

خدیجه هم میان زنان قریش از همه محترم تر و شریف تر و مالدارتر بود. آن چنان که همه مردان قریش خواستار و آرزومند ازدواج با او بوده اند. (1)

### ثروت خدیجه سلام الله علیها

آنچه مسلم است خدیجه هر چه داشت به پیغمبر بخشید و حضرت نیز به اعتراف دوست و دشمن کسی نبود که مال و ثروت ببندد، و چیزی برای روز مبادا نگهدارد. هر کس به او روی می آورد، دست خالی بر نمی گشت. از حال مستمندان و افراد تهیدست بی خبر نبود. خدیجه خود نیز چنین بود. اینک که مرد نمونه ی مکه همسر او شده است، باز خانه ی وی ملجأ نیازمندان و مایه ی امید دردمندان است. در مواقع قحط و غلا که به واسطه ی نیامدن باران اهل بادیه در سختی به سر می بردند، حلیمه مادر رضاعی پیامبر به مکه می آمد و به فرزند شیرداده ی خود سر می زد، و محمد امین او را سخت عزیز می داشت. عبایش را زیر پای او پهن می کرد و با وی به گفتگو می نشست و چون آهنگ بازگشت می کرد به نحو شایسته ای به وی مساعدت می نمود. (2)

### بزرگترین قافله، قافله ی حضرت خدیجه سلام الله علیها است.

و این را هم بدانم که مردم با مال حضرت خدیجه سلام الله علیها سفرهای تجارتي به کشورهای مختلف می نمودند و بزرگترین قافله قافله ی حضرت بود.

و كانت علی الخط قافله خدیجه - لم تکن الا ولی بین القوافل؛ لا بجوده رحالها ولا بانتظام سمتها.

و لطمالما نظم عقدها (میسره) فخرج بها علی یثرب لیمسح عن اوراکها او حال الغبار، و ینفض عن کتفیه و عشاء السفر، ليعود فیستأنف السیر

ص: 14

1- دلائل النبوه، ج 1، ص 214 و 215.

2- تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت، ص 80.

فى قلب البوادرى على حد و اصم، ناشف الخفّ، يابس الوتر، لينكب فى وادى سرحان مستأنسا بنسيمات رطبيه تنزلق اليه على طول هذا الساحل المتاخم للبحر الاحمر، ليشرف - بعد طول عناء- على البواسق الغوطية و المخامل السندسيه التى تفترشها بلاد الشام.

اجل- الم تكن قافله خديجه القافله الاوى بين مكه و الغوطه، او بين مكه و العراق، فطالما شاهد وادى الرّمه و بريده نجد خطوط القوافل منساقه على حد و ترتيب تساجلته اوديه الجزيرة و استعدادته آذان الابل.

ولكن قافله خديجه هى القافله التى ستصبح عين القوافل، هى التى ستفقه معنى الانفتاح، هى التى ستتقل بالاحتكاك من مفهومه التجارى المادى المحدد الى انطلاقه الخير الواسع المفتوح- الى المدى الرجب- الى المدى الارحب الذى يوسع اجواء الجزيرة.

اجل- اجواء الجزيرة- الجزيرة- الجزيرة بالذات، الواسعه، المفتوحه، الهائمه الحدود- المتراميه الاطراف: من خليج العدن الى الخليج الفارسى، الى خليج العقبه- من حضرموت، الى الاحقاف- الى الربع الخالى، الدهماء، الى الحجاز، الى تيماء النفوذ... مع كل ما فيها و ما عليها من عشائر و قبائل و انماط عيش و وراثت تقاليد.

كل ذلك الوسع كان اشيق من ان يجمع شعباً و يسبغ عليه لوناً مجتمعياً سمح الاله اب رتيب القيافه. (1)

و مأموران حضرت خديجه سلام الله عليها صادر كنده و وارد كنده ي محصولات بوده اند. (2)

ص: 15

1- فاطمه الزهراء وتر فى غمد، ص 56.

2- السيره النبويه فى ضوء القرآن و السنه، «دراسه محرره، جمعت بين اصاله القديم و جده الحديث»، ج 1، ص 99.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

